

مطالعه فرهنگ فراغت دختران بر حسب سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (دختران ازدواج‌نکرده گیلان غرب)

وکیل احمدی^۱

جلیل کریمی^۲

پرستو محمدی^۳

چکیده

اوقات فراغت فرصتی برای بازیابی سلامت جسمی، روحی و روانی و توانمندی فرهنگی و اجتماعی است. با توجه به مشکلات بیکاری، ازدواج و ساختار اجتماعی- فرهنگی حاکم بر زندگی روزمره دختران در شهرهای کوچک، گذران اوقات فراغت آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف پژوهش حاضر بررسی فعالیت فراغتی دختران ازدواج‌نکرده در شهر گیلان غرب بوده است. روش پژوهش کمی، به لحاظ اجرا پیمایش و برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه با نمونه ۳۱۵ نفری از دختران ازدواج‌نکرده ۱۸ تا ۳۵ ساله استفاده شده است. فعالیت‌های فراغتی دختران با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی به شش دسته ارتباطی واقعی، ارتباطی مجازی، انفعالی بیرونی، انفعالی خانگی، فرهنگی و مذهبی تقسیم شدند. بیشترین فعالیت فراغتی دختران، از نوع فراغت انفعالی خانگی و ارتباطی مجازی و کمترین آن فراغت فرهنگی بوده است. فراغت‌های فرهنگی، انفعالی خانگی و انفعالی بیرونی با سرمایه اقتصادی و فرهنگی قرابت بیشتری داشته، در حالی که فراغت مذهبی، ارتباطی واقعی و مجازی با سرمایه اجتماعی قرابت بیشتری داشته‌اند. در مجموع، می‌توان گفت با توجه به سطح پایین سرمایه فرهنگی و اقتصادی دختران در شهر گیلان غرب، سرمایه اجتماعی، نوع و میزان فعالیت فراغتی آنها را تعیین کرده است و فعالیت‌های فراغتی اصلی (انفعالی) که نتیجه سرمایه اجتماعی و ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه است در راستای بهبود و توانمندسازی فرهنگی دختران نیست؛ بنابراین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فعالیت‌های فراغتی می‌بایست به بستر و زمینه شکل‌گیری فعالیت‌های فراغتی، چگونگی گذران اوقات فراغت دختران و پیامدهای چنین فعالیت‌های فراغتی توجه داشته باشند.

کلید واژگان: اوقات فراغت، دختران، سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی.

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۱۳ - 2020/01/03

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۵ - 2020/05/14

۱. استادیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

* (نویسنده مسئول مقاله)

۲. استادیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

مقدمه

مفهوم فراغت در برابر کار روزمره که اغلب عامل خستگی است، به کار می‌رود (فکوهی و انصاری مهابادی، ۱۳۸۲: ۶۲). فراغت پدیده‌ای است که با تمدن صنعتی پیوند دارد زیرا کار از شکل اجبار فرهنگی و اجتماعی به در آمده و از دیگر فعالیت‌های انسان جدا شده است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۶۴). در گذشته گذران فراغت کم و بیش با بیکاری و بی‌مصرفی، یعنی مادر تمام شررها همراه بود اما امروزه فراغت بر مبنای یک اخلاق جدید مبتنی بر نیک‌بختی استوار است (دومازیه، ۱۳۵۲: ۳۰). رابطه زنان و دختران با فراغت، متفاوت از کار و فعالیت اقتصادی است. پیشرفت تکنولوژی باعث شده است که خیلی از فعالیت‌های خانه‌داری که در گذشته توسط زنان انجام می‌شد امروزه کمتر شود و در نتیجه زنان اوقات فراغت بیشتری در خانه دارند. این مسئله برای زنان در مناطق روستایی و شهری متفاوت است، زیرا زنان در مناطق روستایی فعالیت اقتصادی بدون مزد هم انجام می‌دهند و به نوعی فراغت خود را با انجام چنین فعالیت‌هایی پر می‌کنند، اما برای دختران در مناطق شهری این‌گونه نیست.

شهر گیلان غرب مرکز شهرستان گیلان غرب و یکی از شهرستان‌های مرزی استان کرمانشاه است. مرزی بودن، جمعیت کم، محدودیت فرهنگی و اجتماعی و همچنین وضعیت فعالیت و اشتغال، اوقات فراغت دختران را بغرنج‌تر کرده است. برخی مسائل اقتصادی و اجتماعی شهر گیلان غرب بر اساس سرشماری ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران به این شرح بوده است: مشارکت اقتصادی زنان ۱۲ درصد، مشارکت اقتصادی جوانان (۱۵-۲۹ ساله) ۱۵ درصد، بیکاری زنان ۴۴ درصد، بیکاری جوانان ۶۳ درصد و بیکاران دارای تحصیلات عالی ۴۳ درصد. وضعیت ازدواج و زناشویی به خاطر مضیقه ازدواج در شهرستان مناسب نبوده است به طوری که ۶۳ درصد دختران ۲۰ تا ۲۴ ساله، ۴۱ درصد دختران ۲۵ تا ۲۹ ساله و ۲۳ درصد دختران ۳۰ تا ۳۴ ساله هنوز ازدواج نکرده‌اند در حالی که این درصد برای دختران مناطق شهری کل کشور به ترتیب ۴۶، ۲۴ و ۱۵ درصد بوده است.

حال با توجه به وضعیت اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی و فرهنگی حاکم بر شهر گیلان غرب چگونگی گذران اوقات فراغت دختران ازدواج نکرده، مسئله‌ای در خور بررسی است، زیرا جمعیت جوان نیازمند برنامه‌ریزی جهت اشتغال از یک سو و ایجاد خدمات اجتماعی و رفاهی مانند ایجاد مکان‌هایی جهت گذران اوقات فراغت با هدف بهبود مهارت‌های زندگی و سلامت روان است تا از هدر رفت سرمایه انسانی جوانان این منطقه جلوگیری شود.

سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که با وجود ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که دختران هرگز ازدواج نکرده در شهر گیلان غرب با آن مواجه هستند، دختران چگونه اوقات فراغت

خود را می‌گذرانند؟ و آیا تمایزی در فعالیت فراغتی دختران بر حسب منابع آنان مانند سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارد؟ بنابراین هدف این پژوهش بررسی شیوه گذران اوقات فراغت و ارائه سنخ‌شناسی فراغت بر حسب سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بین دختران هرگز ازدواج نکرده ۱۸ تا ۳۵ ساله شهر گیلان غرب است.

پیشینه پژوهش

با مرور پژوهش‌هایی که در باره فراغت انجام شده است می‌توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد: دسته اول، توصیفی از وضعیت فعالیت فراغتی جامعه آماری بر حسب ویژگی‌های فردی پاسخگویان مانند سن، جنس، وضعیت اقتصادی یا پایگاه اقتصادی و اجتماعی، محل سکونت، تحصیلات و ... ارائه داده‌اند که آنها بیشتر بر تفاوت طبقاتی و جنسیتی فعالیت‌های فراغتی از منظر دیدگاه‌های کلاسیک نابرابری اجتماعی تمرکز داشته‌اند. مختارزاده (۱۳۹۶) توصیفی از فراغت زنان و موانع فعالیت فراغتی آنان ارائه داده است. به نظر صرافزاده و همکاران (۱۳۹۵) فراغت دانشجویان علوم پزشکی قم بیشتر به شکل خوش‌گذرانی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی بوده است. کفاشی و پیرجلیلی (۱۳۹۵) دلایل فراغت زنان در فضای مجازی از دیدگاه زنان خانه‌دار را بیان کرده است. فانی و اصغرپور (۱۳۹۳) فراغت در منزل را مهمترین فراغت دختران تحصیل کرده جوان ذکر کرده است. حبیب پور گتایی و همکاران (۱۳۹۱) فراغت زنان شاغل و خانه‌دار را با هم مقایسه کرده است و در نتیجه، زنان خانه‌دار، فراغت فعال آنها بیشتر بوده و زنان شاغل، فراغت غیرفعال آنها بیشتر بوده است. صادقی و همکاران (۱۳۸۹) نابرابری جنسیتی، طبقاتی، فضایی و قومیتی در فراغت را بررسی کرده‌اند. برادلی و انگلس^۱ (۲۰۱۲) تفاوت جنسیتی فراغت نوجوانان در استرالیا را بررسی کرده‌اند که پسران بیشتر بازی کامپیوتری و شرکت در مسابقات را ترجیح داده‌اند اما دختران بیشتر صحبت کردن با دوستان، خرید و مطالعه را انتخاب کرده‌اند. توئیکم و اسکینر^۲ (۲۰۱۰) فعالیت‌های فیزیکی طبقات مختلف در کشورهای اروپایی را بررسی کرده‌اند و به شرایط و امکانات خاص فعالیت فراغتی زنان اشاره کرده‌اند. ترن^۳ (۲۰۰۲) به میزان فعالیت فراغتی زنان در مقایسه با مردان در کشورهای اسکانداویناوی اشاره کرده‌اند. بودر^۴ (۲۰۰۰) فراغت دانش‌آموزان دبیرستانی آنتالیای ترکیه را مورد بررسی و نشان داده است که فعالیت دختران بیشتر از پسران بوده است و پسران در ورزش، فعال‌تر از دختران بوده‌اند.

1. Bradley & Inglis

2. Tuyckom & Scheerder

3. Thrane

4. Bodur, F.

دسته دوم، علاوه بر توصیف فعالیت فراغتی، نقش متغیرهای مستقل را بر فعالیت فراغتی بررسی کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان اشاره کرد به: رستگار خالد و همکاران (۱۳۹۵) نقش فن‌آوری‌های ارتباطی جدید در کاهش فراغت فعال جوانان و افزایش سرمایه اجتماعی جوانان، قلی‌پور و همکاران (۱۳۹۵) نقش جهانی شدن ارتباطات (اینترنت و ماهواره) در کاهش فراغت فعال زنان جوان، ادریسی (۱۳۹۳) نقش سرمایه اقتصادی در ترجیحات فعالیت فراغتی دانشجویان دانشگاه آزاد و دانشگاه تهران، عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) نقش سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی در اوقات فراغت دانش‌آموزان، ابراهیمی و مسلمی پطروودی (۱۳۹۰) نقش سرمایه فرهنگی عینی و نهادی در اوقات فراغت زنان، زارع و مالکی عذاری (۱۳۹۴) رابطه نظام ارزشی و نوع فراغت جوانان، رفعت‌جابه و همکاران (۱۳۸۹) رابطه ارزش و نگرش، سبک زندگی، نوع مصرف رسانه‌ای و میزان اطلاع خانواده با فراغت دانشجویان دختر دانشگاه تهران، خواجه نوری و مقدس (۱۳۸۷) رابطه فن‌آوری ارتباطی، دلبستگی به دوستان، مذهبی بودن و دلبستگی به مدرسه با فراغت دانش‌آموزان دبیرستانی.

دسته سوم، با استفاده از داده‌های پژوهش، مبادرت به دسته‌بندی از فعالیت فراغتی جامعه آماری نموده‌اند که می‌توان به پژوهشگران زیر اشاره کرد: سزالای^۱ (۱۹۷۶) به تقسیم‌بندی گفتگو، ورزشی، شرکت در مجالس، سینما و تئاتر، سرگرمی و قدم زدن، استراحت رادیو و تلویزیون اشاره کرده است. ماو^۲ (۱۹۷۶) به دسته‌بندی صحبت کردن، ورزشی، منفعل، تئاتر، سرگرمی، تفریحات، رادیو و تلویزیون و کاپلان^۳ (۱۹۷۶) به شرکت در انجمن، فعالیت‌های پرتحرک، معاشرت، بازی، فعالیت‌های کم‌تحرک، هنری اشاره کرده‌اند. دومازی^۴ (۱۳۵۲) فعالیت‌های فراغتی را به فکری، جسمانی، اجتماعی، عملی، هنری و کارلسون^۵ (۱۹۷۹) به فرهنگی، فعالیتی، وقت آزاد، دینی تقسیم کرده‌اند (به نقل از بهرامی و خادمیان، ۱۳۹۱: ۱۰۰). بیتمن و واچمن^۶ (۲۰۰۰): فراغت خالص را ویژه مردان و فراغت منقطع را ویژه زنان خانه‌دار دانسته است. ادریسی (۱۳۹۳): بر حسب موضوعی، فراغت‌ها را به فرهنگی، ورزشی، اجتماعی، مذهبی، دستی، تفریحی، هنری تقسیم کرده است. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱): فعالیت فراغتی جوانان را به جمعی فعال، فردی فعال، جمعی غیر فعال، فردی غیر فعال تقسیم کرده است. بهرامی و خادمیان (۱۳۹۱): فعالیت فراغتی را به مشارکتی، پرتحرک، معاشرتی، بی‌تحرک آموزشی، بی‌تحرک سرگرمی، هنری تقسیم کرده است. کریمی (۱۳۹۸): فراغت‌ها را به منفعلانه، فعال فردی، فعالانه جمعی سیاسی- اجتماعی، فعالانه جمعی مذهبی، فعالیت فردی اقتصادی، فعالیت فردی مذهبی دسته‌بندی کرده است. ابراهیمی و مسلمی پطروودی (۱۳۹۰): فعالیت فراغتی افراد ۱۵ تا ۶۴ ساله را به دو دسته، فراغت سنتی و فراغت مدرن تقسیم کرده است. رجب‌زاده (۱۳۸۱): فعالیت‌های

1. Szalai
2. Maw
3. Kaplan
4. Dumeziedier
5. Carlson
6. Bittman & Wajeman

فراغتی را به فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، ورزشی، تفریحی، هنری و دستی تقسیم کرده است. ریاضی (۱۳۹۲): با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ملی گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی از افراد ۱۵ تا ۶۴ ساله، فعالیت‌های فراغتی را به دو دسته الگوهای فرهنگ غیر مصرفی و الگوهای فرهنگ مصرفی تقسیم کرده است. صادقی فسایی و عرفان‌منش (۱۳۹۷): در طبقه‌بندی بر اساس ادغام فن‌آوری‌های جدید با اوقات فراغت به فراغت فن‌آوری‌محور، فراغت بیرون‌محور (دوست‌محور و خانواده‌محور) و فراغت با محوریت هر دو اشاره کرده‌اند.

به نظر می‌رسد به غیر از دسته‌بندی سازمان ملی جوانان که برای قشر جوانان ساخته شده است بقیه دسته‌بندی‌ها، کلی و برای قشر یا گروه خاصی نیستند. در پژوهش حاضر سعی شده است دسته‌بندی فراغت‌ها بر اساس زندگی روزمره دختران انجام شود که تا حدی با دسته‌بندی‌های مرسوم متفاوت است.

جامعه آماری اکثر پژوهش‌های بررسی شده، دانش‌آموزان و یا دانشجویان بوده است و تفاوت جنسیتی در فعالیت‌های فراغتی را دنبال کرده‌اند. از آنجا که این قشر از جامعه دارای فعالیت مشخصی هستند، به نظر فعالیت فراغتی آنها چالش برانگیز نباشد و می‌توان گفت که فقط مطالعه فانی و اصغرپور (۱۳۹۳)، بررسی فعالیت فراغتی دختران تحصیل‌کرده، مسئله محور بوده است که آن هم به لحاظ روش پژوهش، کیفی است و نمی‌تواند قابل تعمیم به همه دختران باشد. در پژوهش حاضر فعالیت فراغتی دختران ازدواج نکرده که دارای مسائل اجتماعی و اقتصادی و همچنین زمان فراغت آنها نسبت به بقیه اقبال جامعه بیشتر است، مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش علاوه بر توصیف فعالیت فراغتی دختران، فعالیت‌های فراغتی با در نظر گرفتن شرایط جنسیتی (دختر)، اجتماعی (ازدواج نکرده) و منابعی که به فعالیت‌های فراغتی شکل می‌دهد (سرمایه اقتصادی، اجتماعی و اقتصادی) دسته‌بندی و تحلیل شده است.

مبانی نظری

تحول مفهوم فراغت نشان می‌دهد که فراغت ابتدا با مفهوم کار در ارتباط بوده است اما بعد با کارهای و بلن و بورديو و روجک این مفهوم به تدریج از کار جدا و به سبک زندگی و فرهنگ ارتباط پیدا کرده است.

پارکر برای اوقات فراغت، ارزش مستقل و جدایی از کار قائل نبود و برای اوقات فراغت تا آنجا ارزش قائل بود که بتواند فرد را برای کار آماده سازد. الگوی پارکر فقط افراد شاغل را در نظر دارد و سایر قشرها را نادیده می‌گیرد (پارکر، ۱۹۷۶ به نقل از توسلی، ۱۳۷۵: ۱۲). دومازیه معتقد است که نحوه صحیح استفاده از اوقات فراغت به نوع آموزش و رشد فرهنگی آن‌ها بستگی دارد و به نظر می‌رسد که آموزش عمومی کیفیت فراغت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرف دیگر خود انسان مدرن نیز در بودجه خانوادگی خود هزینه بیشتری به اوقات فراغت اختصاص می‌دهد که به نظر دومازیه این هزینه

بر حسب طبقات اجتماعی متفاوت است (دومازیه، ۱۳۵۲: ۲۱). ویلن اعتقاد دارد مصرف‌کننده برای کسب تشخیص و منزلت اجتماعی مصرف می‌کند. او عقیده دارد مصرف راه نشان دادن موقعیت اجتماعی و ثروت است و این کار از طریق مصرف تظاهری یا فراغت تظاهری انجام می‌شود (ویلن، ۱۳۸۳: ۱۱۰-۱۱۶).

نظریه سبک زندگی و فراغت بورديو با تأکید بر طبقات و سبک زندگی که آن را عادت‌واره می‌نامید، دیدگاه جدیدی را در عرصه اوقات فراغت به وجود آورده است. به نظر بورديو تمایزهای اجتماعی را در مجموعه‌ای از اعمال اجتماعی می‌توان یافت که به طور سنتی به فراغت مربوط می‌شوند، مانند تعطیلات، ورزش، موسیقی و ... در نظر بورديو جامعه به عنوان فضای اجتماعی بازنمایی می‌شود، فضای اجتماعی به این ترتیب ساخته می‌شود که عاملان و گروه‌های اجتماعی بر اساس حجم و میزان سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی با برخی افراد اشتراکاتی می‌یابند و با برخی دیگر فاصله پیدا می‌کنند؛ بنابراین، فضای اجتماعی بر مبنای سرمایه ساخته می‌شود. هر قدر سرمایه فرد بیشتر باشد، در فضای اجتماعی در موقعیت بالاتری قرار می‌گیرد. کسانی که در فضای اجتماعی مشابهی قرار دارند، دارای مشابهت‌های بسیار هستند. در واقع به ازای هر سطحی از موقعیت‌ها، سطحی از سبک زندگی‌ها و ذائقه‌ها وجود دارد که بر اثر شرایط اجتماعی مناسب با آن به وجود می‌آیند و به وسیله این سلیقه‌ها و ظرفیت تکثیر کننده آنها، مجموعه‌ای انتظام‌یافته از ثروت‌ها و خصلت‌ها بوجود می‌آید که در درون خود از نوعی وحدت سیره‌ها برخوردارند (بورديو، ۱۳۸۰).

بورديو در کتاب «تمایز»، سبک زندگی را بر مبنای سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی افراد مشخص کرده است و در آخر با دسته‌بندی از مشاغل، به ساختن پاره‌طبقه‌هایی مانند خرده بورژوازی رو به افول، خرده بورژوازی نو، خرده بورژوازی ادرازی، خرده بورژوازی جدید و ... پرداخته و سبک زندگی، از جمله فراغت آنها را مشخص کرده است (بورديو، ۱۳۹۷).

کریس روجک^۱، با استناد به منابع انسان‌شناسانه و منابع مربوط به مطالعات اوقات فراغت، به استدلال درباره رابطه نیرومند میان فرهنگ و فعالیت‌های اوقات فراغت پرداخت. به نظر وی، فرهنگ بشری نه با نیاز به کار، بلکه با زبان، رقص، خنده، تقلید مناسک و گستره متنوعی از بازی‌ها آغاز شده است (روچک، ۱۳۹۵: ۴۳). روجک فراغت را از اجزای مهم جامعه مدنی و شهروندی برمی‌شمارد؛ زیرا به بررسی اشتراک داوطلبانه و تعامل در مجموعه‌های غیررسمی می‌پردازد. به زعم روجک، ما با بازی کردن، آواز خواندن و رقصیدن غیررسمی با یکدیگر، راهبردهایی برای شناختن و عمل کردن در چارچوب مخمسه فراگیر جسمیت و مکانیت می‌یابیم و علایق شهروندی مشترکی را تعریف می‌کنیم که مرزهای طبقه، جنسیت، نژاد، دین و تمایزهای وابسته به منزلت را در می‌نوردد. البته باید توجه داشته باشیم که این فعالیت‌ها ممکن است به مبنایی برای تهاجم و ستیز تبدیل شوند، اما دیدگاه

مثبت از فراغت باید بر همکاری و ظرفیت بالقوه و یکپارچه‌کننده صورت‌ها و تجربه فراغت استوار باشد. رویکرد کنش، فراغت را صرفاً انباشت کنش‌های داوطلبانه نمی‌داند؛ به عکس، فراغت به مثابه نیرویی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تحلیل می‌شود که کنش‌گران را در تعیین مسیرهای تجربه فراغت مقید می‌سازد. این مسیرها نیز کنش‌گران را از هم تفکیک می‌کنند؛ بنابراین، مسیرهای فراغت صرفاً نشان-دهنده سرمایه‌گذاری شخصی افراد در جست و جوی کسب رضایت درونی نیستند؛ بلکه افراد را بر اساس معیارهای طبقاتی، فرهنگی، جنسیتی، دینی و منزلتی نیز طبقه‌بندی می‌کنند. رویکرد کنش، با پشتیبانی از نقش فراغت در ارتقای سرمایه اجتماعی در زندگی روزمره، از طریق تحکیم شبکه‌های اجتماعی و ترویج نوعی سبک زندگی متوازن، این قبیل ابتکارها را گسترش می‌دهد، اما این مطلب را نیز می‌پذیرد که اجتماع و سبک زندگی، همواره در دل ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نابرابری جای دارند که در آن‌ها، ایدئولوژی همواره نحوه عملکرد قدرت را در پیشبرد منافع مستقر می‌پوشاند (همان).

در این پژوهش، با رجوع به دیدگاه‌های بوردیو و روجک اوقات فراغت دختران بر حسب منابع سرمایه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. به زعم بوردیو، میزان دسترسی به منابع مادی (سرمایه اقتصادی) و منابع فرهنگی (شامل سطح تحصیلات، میزان و نحوه استفاده از کالاهای فرهنگی) و ساختار روابط و شبکه‌های اجتماعی (سرمایه اجتماعی)، موقعیت اجتماعی و امکانات افراد را تعیین می‌کند و افراد بسته به موقعیت اجتماعی و منابع در دسترس، سبک‌های زندگی خاصی را در پیش می‌گیرند و امکانات فراغتی و سلیق خاصی می‌یابند؛ به عبارت دیگر در طول زمان با شکل‌گیری عادت‌واره، بین نوع و میزان سرمایه اقتصادی و فرهنگی و سبک زندگی نوعی قرابت و هماهنگی بوجود می‌آید. در دیدگاه بوردیو در زمینه سبک زندگی و در اینجا یکی از مؤلفه‌های آن یعنی فراغت، سرمایه اقتصادی و فرهنگی مهم هستند اما با توجه به ساختار روابط اجتماعی در جامعه ایران، سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری نوع فراغت نیز مهم است. با توجه به دسترس بودن و هزینه کم چنین روابطی، برخی از افراد چنین فراغتی را انتخاب می‌کنند؛ بنابراین در این پژوهش علاوه بر دو منبع مهم بوردیو در شکل‌گیری فراغت، بر نقش سرمایه اجتماعی در دسته‌بندی الگوی فراغتی دختران نیز تأکید شده است.

روجک الگوهای گذران فراغت را در ارتباط با جسمیت و مکانیت در نظر می‌گیرد. این مفاهیم، بر بسترها و منابعی دلالت دارند که در تلاقی با یکدیگر، جوانان را در انتخاب و تعیین مسیرهای فراغتی جهت می‌بخشند. از جمله این بسترها می‌توان به عوامل زمینه‌ای نظیر جنسیت، وضعیت تأهل و سن اشاره کرد. در بحث منابع نیز نقش و جایگاه منابع و سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی و شبکه‌های روابط و سرمایه اجتماعی مورد نظر است. در این پژوهش برای دسته‌بندی فراغت نیز به جنسیت و وضعیت ازدواج آنها تأکید شده است و مسئله پژوهش نیز بر اساس تفاوت الگوی فراغتی دختران هرگز ازدواج نکرده طرح شده است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر به لحاظ روش، کمی، به لحاظ اجرا، پیمایشی و از نظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش دختران ازدواج‌نکرده ۱۸ تا ۳۵ ساله شهر گیلان غرب بوده است که بنا بر سرشماری ۱۳۹۵ تعداد آنها ۱۷۵۵ نفر بوده‌اند. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۳۱۵ نفر انتخاب برآورد شده است. انتخاب نمونه‌ها بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است. ابتدا شهر به ۹ خوشه (محله) تقسیم و از این ۹ خوشه، ۴ خوشه به تصادف انتخاب شده است. در هر خوشه ۸ کوچه به تصادف انتخاب شده است و در هر کوچه ۱۰ پرسشنامه پر شده است. در هر کوچه نیز خانه‌ها یکی در میان در نظر گرفته شده است و هر خانه‌ای که دارای دختر ازدواج‌نکرده ۱۸ تا ۳۵ ساله بوده انتخاب شده و پرسشنامه تکمیل شده است. این شیوه انتخاب نمونه تا زمانی که ۱۰ دختر هرگز ازدواج نکرده ۱۸ تا ۳۵ ساله پیدا شده در هر کوچه ادامه یافته است. شیوه گردآوری داده‌ها بر اساس پرسشنامه محقق ساخته بوده است. دو پرسشنامه فعالیت‌های فراغتی و سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی تهیه شده است و اعتبار و پایایی سازه‌های مورد نظر از طریق اعتبار صوری و آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی ارزیابی شده است. همچنان که جدول شماره ۱ و ۲ نشان داده است نتایج آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی نشان از پایایی مناسب شاخص‌های پژوهش دارند. شیوه تحلیل عاملی فعالیت‌های فراغتی اکتشافی بوده است یعنی ابتدا فهرستی از فعالیت‌های فراغتی تهیه و بعد از پر کردن پرسشنامه‌ها تحلیل عاملی انجام شده است؛ برای هر دسته از فعالیت‌ها که در یک عامل قرار گرفته‌اند متناسب با قلمرو معنایی و بار مفهومی یک عنوان فراغتی در نظر گرفته شده است. شیوه تحلیل عاملی سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی تأییدی بوده است؛ یعنی در ابتدا گویه‌های هر عامل توسط داوران تأیید شده و بعد با استفاده از تحلیل عاملی سازه‌ها مورد تأیید قرار گرفته‌اند. فعالیت‌های فراغتی دختران بر حسب داده‌ها و بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی به شش دسته تقسیم شده‌اند:

فعالیت ارتباطی واقعی: شکل ارتباط اجتماعی مرسوم است مانند ارتباط با خویشاوندان، دوستان و همسایگان و ... به دلیل گستردگی اقوام و خویشاوندان و بافت سنتی که حافظ این روابط است سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در جامعه زیاد است. اقتضای روابط اجتماعی دختران به دلیل مسائل فرهنگی و اجتماعی چنین روابطی است.

فعالیت ارتباطی مجازی: با تغییرات تکنولوژیکی ارتباطی اخیر و بوجود آمدن اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، شکلی دیگر از روابط با واسطه ابزار ارتباطی بوجود آمده است که در اینجا فعالیت ارتباطی مجازی نام گرفته است که انتظار می‌رود بتدریج جای ارتباط اجتماعی واقعی درون‌گروهی را گرفته و حتی ارتباط برون‌گروهی را هم تسهیل نماید.

فراغت انفعالی بیرونی: به فعالیت‌های فراغتی گفته می‌شود که هدف از آنها بازیابی توان از دست رفته در نتیجه کار و تلاش روزانه بوده و به نوعی باعث تمدد اعصاب شده و به سلامت روحی و روانی کمک می‌کند مانند تفریح رفتن، قدم زدن و ... که ممکن است فردی و یا جمعی انجام شود.

فراغت انفعالی خانگی: به فعالیت فراغتی مانند دیدن تلویزیون و خواب گفته می‌شود که در محدوده خانه انجام می‌شود و فردی است و افراد چنین فراغتی را منفعلانه و به ناچار انجام می‌دهند چون جایگزین و یا انتخاب دیگری ندارند. این فعالیت‌های فراغتی در این پژوهش به خاطر جامعه آماری (دختران ۱۸ تا ۳۵ ساله ازدواج نکرده) جدا از فعالیت‌های فراغتی بازیابی در نظر گرفته شده است.

فراغت فرهنگی: به فعالیت‌های فراغتی در حوزه هنر و فرهنگ مانند انواع کلاس‌ها و انجام کارها و فعالیت‌های هنری و فرهنگی گفته می‌شود که این نوع فعالیت هدفمند و فعالانه است و در راستای افزایش سرمایه فرهنگی فرد مفید است.

فراغت مذهبی: به فعالیت‌های فراغتی مانند زیارت، مجالس مذهبی و ... گفته می‌شود که با انگیزه مذهبی انجام می‌شود که ممکن است به شکل فردی مانند قرآن و دعا خواندن و یا به شکل جمعی مانند مجالس مذهبی و عزاداری‌های مذهبی انجام گیرد.

جدول شماره ۱- نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و آلفای کرونباخ فعالیت‌های فراغتی

فراغت	فعالیت فراغتی	بار عاملی	آلفای کرونباخ	فراغت	فعالیت فراغتی	بار عاملی	آلفای کرونباخ
انفعالی بیرونی	رفتن به پارک و تفرجگاه	۰/۸۰	۰/۷۷	ارتباطی مجازی	استفاده از اینترنت	۰/۹۲	۰/۹۴
	مسافرت	۰/۷۷			فضای مجازی	۰/۹۳	
	قدم زدن و گردش	۰/۸۰		مذهبی	مجالس مذهبی	۰/۷۶	۰/۶۱
	بازارگردی	۰/۶۵			زیارت	۰/۷۴	
	ورزش	۰/۶۰		خواندن قرآن	۰/۷۳		
ارتباط واقعی	رفت‌وآمد با خویشان نزدیک	۰/۸۰	۰/۶۰	انفعالی خانگی	خواب	۰/۶۱	۰/۵۵
	رفت‌وآمد با خویشان دور	۰/۷۸		تلویزیون	۰/۸۴		
	رفت و آمد با همسایگان	۰/۶۸		فرهنگی	حضور در انجمن‌های ادبی هنری	۰/۷۱	۰/۷۰
	دورهمی دوستانه	۰/۵۰			انجام و یادگیری کارهای هنری	۰/۶۵	
					مطالعه غیر درسی	۰/۸۱	

جدول شماره ۲- نتایج تحلیل عاملی تأییدی و آلفای کرونباخ سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی

ابعاد	معرف‌ها	بار عاملی	آلفای کرونباخ	ابعاد	معرف‌ها	بار عاملی	آلفای کرونباخ
سرمایه اجتماعی	ارتباط با خانواده	۰/۶۳	۰/۷۷	سرمایه فرهنگی	شناخت خواننده	۰/۷۷	۰/۸۸
	ارتباط با دوستان	۰/۶۴			گوش دادن به موسیقی	۰/۷۶	
	ارتباط با خویشاوندان نزدیک	۰/۷۴			آگاهی نسبت به ساز موسیقی	۰/۷۴	
	ارتباط با خویشاوندان دور	۰/۶۰			داشتن کتاب قدیمی، خطی	۰/۵۹	
	ارتباط با همسایه‌ها	۰/۶۸			مالکیت نسبت به اشیاء قدیمی	۰/۶۵	
	ارتباط با گروه‌های مردم نهاد	۰/۵۵			کتاب‌های موجود در کتابخانه	۰/۵۳	
	ارتباط با مردم محله	۰/۷۴			مطالعه زبان‌ها و گویش‌های	۰/۷۱	
	شناخت از هنرپیشه و کارگردان	۰/۷۵			تعداد تابلو نقاشی منزل	۰/۵۶	
سرمایه فرهنگی	شناخت از فیلم	۰/۷۴	مطالعه کتاب علمی	۰/۶۰			
	دیدن فیلم	۰/۶۲					

یافته‌ها

ویژگی‌های فردی جمعیت نمونه به شرح زیر بوده است: میانگین سن پاسخگویان ۲۶/۷ سال بوده است. تحصیلات پاسخگویان ۶/۶ درصد زیر دیپلم، ۲۶/۴ درصد دیپلم، ۱۰/۸ فوق دیپلم، ۴۷/۶ درصد لیسانس و ۸/۵ درصد نیز تحصیلات فوق لیسانس و دکتری بوده است. وضعیت فعالیت و اشتغال جمعیت نمونه، ۱۰ درصد شاغل، ۳۶ درصد بیکار، ۲۴ درصد محصل، ۲۱ درصد خانه‌دار و ۹ درصد سایر بوده‌اند.

در ابتدا فعالیت‌های فراغتی دختران در شهر گیلان غرب بر حسب گویه‌ها، بر اساس توزیع درصدی و همچنین میانگین دختران در هر فعالیت فراغتی آورده شده است؛ سپس فعالیت فراغتی بر حسب دسته‌بندی حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی ارائه شده و در ادامه فعالیت فراغتی بر حسب دو گروه سنی و تحصیلی عمده و همچنین بر حسب سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دختران مورد بررسی قرار گرفته است.

همچنان که توزیع درصدی و همچنین میانگین فعالیت فراغتی در جدول شماره ۳ نشان داده است، بیشترین فعالیت فراغتی دختران، تماشای تلویزیون، رفت و آمد با خویشاوندان نزدیک، بازارگردی، خواب، اینترنت و استفاده از فضای مجازی بوده است. به دلیل این که دختران بیشتر در محیط خانه هستند، فعالیت فراغتی آنها هم در محیط خانه انجام می‌شود. کمترین فعالیت فراغتی مربوط به حضور در انجمن‌های ادبی و هنری، رفت و آمد با خویشاوندان دور، یادگیری کارهای هنری، مطالعه غیردرسی و قرائت قرآن و ارتباط با همسایگان بوده است. ارتباط با همسایگان و خویشاوندان دور برای همه افراد جامعه کمتر شده است و به تبع برای دختران هم کمتر شده است. فعالیت فراغتی

دختران انفعالی، غیرهدفمند و در دسترس بوده است و نیازی به هزینه‌چندانی نداشته است. در عوض، فعالیت‌های هنری و فرهنگی که عمدتاً برای رشد شخصیت و زندگی آینده دختران مناسب است، به دلیل هزینه‌بر بودن آنها کمتر بوده است.

جدول شماره ۳- توصیف گذراندن اوقات فراغت دختران بر حسب گویه‌های ابعاد فراغت

نوع فراغت	فعالیت فراغتی	میانگین	نوع فراغت	فعالیت فراغتی	میانگین
انفعالی خانگی	تماشای تلویزیون	۳/۷۳	مذهبی	زیارت	۲/۷۸
ارتباطی واقعی	رفت و آمد با خویشان نزدیک	۳/۷۲	انفعالی بیرونی	مسافرت	۲/۶۵
انفعالی بیرونی	خیابان و بازارگردی	۳/۴۳	انفعالی بیرونی	ورزش کردن	۲/۳۸
انفعالی خانگی	خواب	۳/۲۹	ارتباطی واقعی	رفت و آمد با همسایگان	۲/۳۷
ارتباطی مجازی	استفاده از اینترنت	۳/۲۹	مذهبی	قرائت قرآن	۲/۲۶
ارتباطی مجازی	فضای مجازی	۳/۲۵	فرهنگی	مطالعه غیر درسی	۲/۲۰
مذهبی	حضور در مجالس مذهبی	۳/۰۷	فرهنگی	انجام یا یادگیری کار هنری	۲/۱۹
ارتباطی واقعی	دورهمی با دوستان	۳/۰۲	ارتباطی واقعی	رفت و آمد با خویشان دور	۱/۹۴
انفعالی بیرونی	رفتن به پارک و تفرجگاه	۲/۸۴	فرهنگی	حضور در انجمن ادبی هنری	۱/۴۹
انفعالی بیرونی	قدم زدن و گردش	۲/۸۰			

• میانگین فعالیت فراغتی از بیشترین به کمترین مرتب شده است.

برای توصیف بهتر، فعالیت‌های فراغتی دختران دسته‌بندی شده و بر اساس سن و تحصیلات دختران مورد بررسی قرار گرفته است. این دسته‌بندی، بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی انجام شده است. در این دسته‌بندی فعالیت‌های فراغتی که فراوانی کمتری داشته‌اند، مانند حل جدول، خواندن روزنامه و مجله، گلدوزی، خیاطی و ... حذف شده‌اند. فعالیت‌های هنری و فرهنگی با توجه به قرار گرفتن در یک عامل و همسانی بار معنایی، ادغام و تحت عنوان فراغت هنری آمده است. «فراغت ارتباطی» در دسته‌بندی‌های مرسوم تحت عناوین فراغت اجتماعی، معاشرتی، ارتباطی، گفتگو و شرکت در انجمن‌ها آمده است. فراغت ارتباطی به دو دسته واقعی و مجازی تقسیم شده است: ارتباط واقعی به معنای معاشرت و تعامل انضمامی با خویشاوندان نزدیک، خویشاوندان دور، دوستان و همسایه‌ها است و ارتباط مجازی به معنای پیوند مجازی با گروه‌های ذکر شده با استفاده از ابزار ارتباطی است. با توجه به این که استفاده از وسیله‌های ارتباطی اینترنت و تلفن همراه هوشمند در جامعه رایج شده است و فراوانی این فعالیت فراغتی هم زیاد بود در تحلیل عاملی گویه‌های این دو دسته فراغت در دو عامل قرار گرفتند. همچنین فراغت ارتباطی واقعی بیشتر درون‌گروهی است در حالی که فراغت ارتباطی مجازی بیشتر برون‌گروهی است. منظور از فراغت «انفعالی بیرونی» فراغتی

است که برای بیرون رفتن از شرایط کسالت بار و خستگی زندگی روزمره انجام می‌شود که در دسته-بندی‌های قبلی تحت عناوینی مانند تفریحات، ورزش، قدم زدن، سرگرمی، فعالیت‌های پرتحرک و نظایر آن آمده است. فعالیت «مذهبی» با توجه به تفاوت سبک زندگی افرادی که چنین فراغتی دارند جدا از فراغت فرهنگی و اجتماعی آورده شده است. فراغت انفعالی خانگی شامل فعالیت خواب و تماشای تلویزیون است به دلیل این که جامعه آماری پژوهش ناگزیر به انجام چنین فعالیتی برای گذران وقت و زمان هستند در یک دسته جدا قرار گرفته است. در دسته‌بندی حاضر نوع و میزان سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز در نظر گرفته شده است که در رابطه سرمایه با نوع فراغت به آن اشاره شده است.

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که میانگین فعالیت فراغتی انفعالی خانه‌محور و ارتباطی مجازی بیش از بقیه فعالیت‌های فراغتی است. کمترین فعالیت فراغتی دختران مربوط به فراغت فرهنگی بوده است که به دلیل نبود فضاهای هنری مانند سینما و تئاتر و کمبود کلاس‌های هنری و همچنین اقتصاد ضعیف خانواده‌ها این فعالیت فراغتی کمتر از بقیه فعالیت‌ها است. میزان فعالیت فراغتی ارتباطی واقعی، انفعالی بیرون‌محور و مذهبی دختران متوسط بوده است.

فعالیت فراغتی دختران بر حسب دو گروه سنی ۱۸ تا ۲۶ ساله و ۲۷ تا ۳۵ ساله متفاوت است. میانگین فعالیت فراغت ارتباطی مجازی، انفعالی بیرونی و فرهنگی دختران ۱۸ تا ۲۶ ساله بیشتر از دختران ۲۷ تا ۳۵ ساله بوده است و این تفاوت همچنان که آزمون t و سطح معنی‌داری آن نشان داده است معنی‌دار بوده است. در خصوص علت این تفاوت می‌توان به وضعیت فعالیت آنها اشاره کرد که بیشتر در حال تحصیل هستند و همچنین تحصیلات خود به افزایش نوع فعالیت فراغتی فرهنگی نیز کمک کرده است؛ اما فعالیت فراغتی انفعالی خانگی، ارتباطی واقعی و مذهبی دختران دو گروه سنی تقریباً یکسان بوده است که علت آن را باید در وضعیت فعالیت دختران که بیشتر بیکار و در خانه هستند و همچنین روابط سرمایه اجتماعی درون‌گروهی برای همه سنین یکسان عمل کرده است؛ بنابراین تفاوتی در این گروه از فعالیت‌های فراغتی بر حسب سن دیده نشده است.

جدول شماره ۴- میانگین انواع فعالیت فراغتی دختران بر حسب سن

نوع فراغت	میانگین (۰-۵)	انحراف معیار	سن	میانگین (۰-۵)	مقدار t	سطح معنی‌داری
فراغت ارتباطی واقعی	۲/۷۷	۰/۸۷	۱۸-۲۶ سال	۲/۸۰	۰/۸۲	۰/۴۱
	۲۷-۳۵ سال		۲/۷۲			
فراغت ارتباطی مجازی	۳/۳۲	۱/۶۱	۱۸-۲۶ سال	۳/۶۰	۳/۰۹	۰/۰۰۲
	۲۷-۳۵ سال		۳/۰۴			
فراغت انفعالی بیرونی	۲/۸۲	۱	۱۸-۲۶ سال	۳/۰۵	۴/۱۲	۰/۰۰۰۱
	۲۷-۳۵ سال		۲/۵۹			
فراغت فرهنگی	۱/۹۶	۱/۱۱	۱۸-۲۶ سال	۲/۱۵	۳/۱۱	۰/۰۰۲
	۲۷-۳۵ سال		۱/۷۶			
فراغت انفعالی خانگی	۳/۵۰	۰/۸۱	۱۸-۲۶ سال	۳/۵۴	۰/۷۳	۰/۴۶
	۲۷-۳۵ سال		۳/۴۷			
فراغت مذهبی	۲/۷۰	۱/۰۷	۱۸-۲۶ سال	۲/۶۷	۰/۷۲	۰/۴۷
	۲۷-۳۵ سال		۲/۷۱			

میانگین فعالیت فراغتی دختران بر حسب دو گروه تحصیلی نشان داده است که میانگین فراغت ارتباطی مجازی، انفعالی بیرونی و فرهنگی دختران با تحصیلات عالی بیشتر بوده است و این نشان دهنده نقش تحصیلات در تفاوت سبک فراغتی دختران است.

جدول شماره ۵- میانگین انواع فعالیت فراغتی دختران بر حسب تحصیلات

نوع فراغت	تحصیلات	میانگین	مقدار t	سطح معنی‌داری
فراغت ارتباطی واقعی	بی‌سواد تا دیپلم	۲/۸۰	۰/۵۵	۰/۵۸
	دانشگاهی	۲/۷۴		
فراغت ارتباطی مجازی	بی‌سواد تا دیپلم	۲/۹۶	- ۲/۶۴	۰/۰۰۹
	دانشگاهی	۳/۵		
فراغت انفعالی بیرونی	بی‌سواد تا دیپلم	۲/۶۱	- ۲/۲۷	۰/۰۲۴
	دانشگاهی	۲/۹۱		
فراغت فرهنگی	بی‌سواد تا دیپلم	۱/۶۳	- ۳/۷۵	۰/۰۰۰۱
	دانشگاهی	۲/۱۳		
فراغت انفعالی خانگی	بی‌سواد تا دیپلم	۳/۵۵	۰/۶۹	۰/۴۹
	دانشگاهی	۳/۴۸		
فراغت مذهبی	بی‌سواد تا دیپلم	۲/۶۷	- ۰/۳۶	۰/۷۲
	دانشگاهی	۲/۷۱		

جدول توصیف سرمایه‌ی اجتماعی (شماره ۶) نشان داده است سرمایه اجتماعی دختران در گیلان- غرب بیشتر از ارتباط با خانواده، ارتباط با خویشاوندان نزدیک و ارتباط با دوستان بوده است که نشان از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی است که با توجه به حجم کم جمعیت در شهرستان و همچنین گستردگی اقوام و خویشان این نوع از سرمایه اجتماعی نیز طبیعی است. کمترین سرمایه اجتماعی مربوط به ارتباط با گروه‌های مردم‌نهاد، خویشاوندان دور، مردم محله و همسایگان بوده است. در مورد گروه‌های مردم‌نهاد باید گفت که این گروه‌ها در شهرستان‌های کوچک، کمتر شکل گرفته‌اند و همچنان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی کارکرد آنها را انجام می‌دهد و تا زمانی که بستر چنین روابطی وجود دارد ظهور و بروز سرمایه اجتماعی برون‌گروهی از قبیل سازمان‌های مردم‌نهاد ضرورتی ندارد. در مورد خویشاوندان و همسایگان نیز به دلیل این که اقوام و خویشاوندان در شهر زیاد بوده ضرورتی برای ارتباط با آنها وجود نمی‌آید و همچنان که دیده می‌شود برای دختران نیز این نوع ارتباط کمتر بوده است.

سرمایه فرهنگی دختران در این پژوهش بیشتر در مقولاتی مانند دیدن فیلم، تعداد کتاب‌های موجود در کتابخانه شخصی و مطالعه رمان بوده است و کمترین سرمایه فرهنگی دختران مالکیت اشیای قدیمی، آشنایی با سازهای موسیقی و داشتن کتاب‌های قدیمی و خطی بوده است.

جدول شماره ۶- توصیف سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دختران بر حسب گویه‌ها

سرمایه	گویه	میانگین	سرمایه	گویه	میانگین
سرمایه اجتماعی	ارتباط با خانواده	۴/۵۴	سرمایه فرهنگی	تعداد تابلوهای نقاشی منزل	۱/۷۴
	ارتباط با خویشاوندان نزدیک	۳/۸۶		میزان مطالعه کتاب‌های علمی	۱/۶۸
	ارتباط با دوستان	۳/۵۷		میزان شناخت نسبت به فیلم	۱/۶۳
	ارتباط با همسایه‌ها	۲/۵۲		میزان گوش دادن به موسیقی	۱/۴۴
	ارتباط با مردم محله	۲/۲۸		شناخت از هنرپیشه‌ها و کارگردانان	۱/۴۱
	ارتباط با خویشاوندان دور	۲/۲۲		شناخت نسبت به خواننده‌ها	۱/۳۷
	ارتباط با گروه‌های مردم‌نهاد	۱/۵۷		مطالعه زبان‌ها و گویش‌های دیگر	۱/۲۳
فرهنگی	میزان مطالعه رمان	۲/۳۶	میزان آگاهی نسبت به ساز موسیقی	۱/۰۹	
	میزان دیدن فیلم	۲/۲۰	تعداد کتاب‌های قدیمی، خطی و ...	۱/۰۸	
	کتاب موجود در کتابخانه	۱/۹۷	میزان مالکیت نسبت به اشیاء قدیمی	۱/۰۸	

- میانگین گویه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر حسب بیشترین میانگین به کمترین میانگین مرتب شده است.

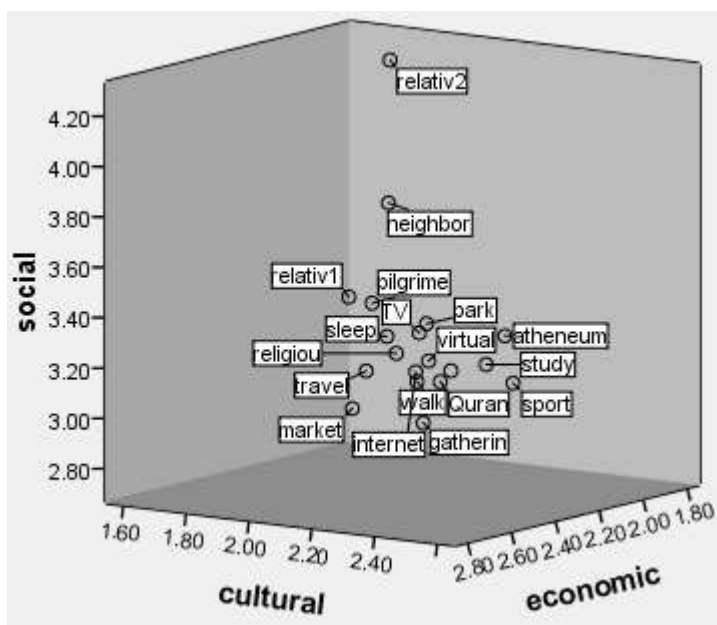
جدول شماره ۷ نشان داده است که میانگین سرمایه اجتماعی دختران کمی بیش از متوسط است. سرمایه اجتماعی دختران بر حسب سن و تحصیلات متفاوت نبوده است و این نشان از گستردگی روابط ناشی از این سرمایه برای همه گروه‌های سنی و تحصیلی است؛ به عبارت دیگر همه افراد فارغ از سن و تحصیلات از چنین روابطی به دلیل بافت اجتماعی آن برخوردار هستند. سرمایه فرهنگی دختران کمتر از متوسط بوده، اما این میزان بر حسب سن و تحصیلات متفاوت بوده است. سرمایه فرهنگی دختران گروه سنی ۱۸ تا ۲۶ سال بیش از سرمایه فرهنگی دختران گروه سنی ۲۷ تا ۳۵ سال بوده است و همچنین سرمایه فرهنگی دخترانی که تحصیلات عالی داشته‌اند بیش از دخترانی بوده که تحصیلات عالی نداشته‌اند و این نشان دهنده نقش تحصیلات عالی در اکتساب سرمایه فرهنگی هر چند اندک بوده است.

جدول شماره ۷- میانگین سرمایه اجتماعی و فرهنگی دختران بر حسب سن و تحصیلات

مقدار t	میانگین	تحصیلات	مقدار t	میانگین	سن	انحراف معیار	میانگین	سرمایه
۰/۱۸ ns	۲/۹۵	بیسواد تا دیپلم	۰/۴۵ ns	۲/۹۵	سال ۱۸-۲۶	۰/۸۴	۲/۹۳	سرمایه اجتماعی
	۲/۹۳	تحصیلات عالی		۲/۹۱	سال ۲۷-۳۵			
۵ **	۱/۷۰	بیسواد تا دیپلم	۴/۹۴ **	۲/۲۱	سال ۱۸-۲۶	۰/۸۰	۲/۰۱	سرمایه فرهنگی
	۲/۱۶	تحصیلات عالی		۱/۸۲	سال ۲۷-۳۵			

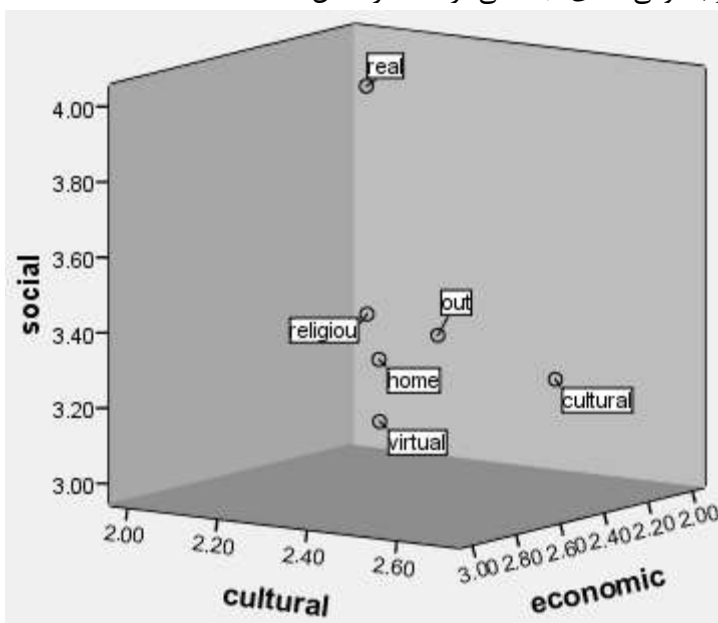
• NS عدم معنی‌داری- ** معنی‌داری در سطح کمتر از ۰/۰۱

در شکل‌های شماره ۱ و ۲ با استفاده از نمودار پراکنش سه بُعدی فعالیت‌های فراغتی و دسته‌بندی فراغت‌ها بر حسب میزان سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است. همچنان که در شکل شماره ۱ مشخص است فعالیت‌های ارتباط با خویشاوندان نزدیک (۱) و دور (۲)، همسایگان و مذهبی با سرمایه اجتماعی، فعالیت‌های فراغتی مانند بازارگردی، مسافرت، قدم زدن، پارک و استفاده از اینترنت با سرمایه اقتصادی و فعالیت‌های فراغتی مانند انجمن ادبی، اینترنت و فضای مجازی با سرمایه فرهنگی قرابت بیشتری داشته‌اند.



شکل شماره ۱- رابطه نوع فعالیت فراغتی بر حسب میانگین سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

شکل شماره ۲ قرابت یا هماهنگی بین نوع فعالیت فراغتی و نوع و میزان سرمایه اجتماعی را نشان داده است و به نوعی فضای اجتماعی فراغت‌ها را نشان داده است.



شکل شماره ۲- رابطه نوع فراغت با سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

همچنان که در شکل شماره ۲ دیده می‌شود فراغت‌ها بر اساس میانگین سرمایه اقتصادی به دو گروه تقسیم شده‌اند: ۱- فراغت‌های مذهبی، واقعی و مجازی ۲- فراغت‌های واقعی، مجازی، فرهنگی، انفعالی بیرونی و خانگی. به طور کلی می‌توان گفت فراغت‌های گروه اول سرمایه اقتصادی کمتری لازم داشته‌اند؛ به عبارت دیگر کسانی که سرمایه اقتصادی کمتری داشته‌اند فراغت‌های گروه اول را انتخاب کرده‌اند و کسانی که سرمایه اقتصادی بیشتری داشته‌اند فراغت‌های گروه دوم را انتخاب کرده‌اند. بر حسب سرمایه اجتماعی نیز فراغت‌ها به دو گروه تقسیم شده‌اند و کسانی که سرمایه اجتماعی بیشتری داشته‌اند فراغت واقعی که ارتباط با خویشاوندان و دوستان بوده است را انتخاب کرده‌اند. بر حسب سرمایه فرهنگی فراغت‌ها متفاوت بودند و فراغت‌های انفعالی خانگی، انفعالی بیرونی و فرهنگی نیازمند سرمایه فرهنگی بیشتری بوده‌اند. سرمایه اقتصادی و فرهنگی با فراغت‌های انفعالی بیرونی، انفعالی خانگی و فرهنگی هماهنگ بوده و سرمایه اجتماعی با فراغت ارتباطی واقعی هماهنگ بوده است. پس به طور کلی می‌توان گفت افراد با توجه به میزان و نوع سرمایه‌ای که داشته‌اند فراغت خاصی را انتخاب کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی فعالیت فراغتی دختران ازدواج نکرده در شهر گیلان غرب بود. دلیل انتخاب جامعه آماری مذکور، مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر زندگی روزمره دختران بوده است. برای رسیدن به هدف پژوهش از پیمایش و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. فعالیت‌های فراغتی دختران بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی به شش دسته ارتباطی واقعی، ارتباطی مجازی، انفعالی بیرونی، انفعالی خانگی، فرهنگی و مذهبی تقسیم شدند. در این دسته‌بندی، فراغت ارتباطی واقعی و مجازی به دلیل گسترش روابط خویشاوندی و همچنین گسترش استفاده از فضای مجازی و اینترنت به دسته‌بندی‌های مرسوم فراغت افزوده شد و همچنین با توجه به وضعیت خاص دختران که اوقات خود را بیشتر در خانه سپری می‌کنند فعالیت‌های فراغتی خواب و تماشای تلویزیون هم به عنوان فراغت انفعالی خانه محور تعریف شد.

بیشترین فعالیت فراغتی دختران تماشای تلویزیون، رفت و آمد با خویشاوندان نزدیک، بازارگردی، خواب، استفاده از اینترنت و فضای مجازی بوده است. این فعالیت‌ها در دسترس و با هزینه کم است و همچنین اغلب هم در محیط خانه انجام می‌شوند که نشان از ایجاد محدودیت ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه در فعالیت فراغتی دختران دارد. در پژوهش‌های دیگر مانند مختارزاده (۱۳۹۶) و بودر (۲۰۰۰) به اولویت فراغتی تماشای تلویزیون و فانی و اصغرپور (۱۳۹۳) به شرایط فرهنگی شهر و مختارزاده (۱۳۹۶) به حساسیت‌های فرهنگی و اجتماعی به عنوان مانع فراغت دختران اشاره شده است. در حالی که روجک فراغت را اجزای جامعه مدنی و شهروندی شمرده است و آن را اشتراک

داوطلبانه و تعامل در مجموعه‌های غیر رسمی دانسته است چنین فعالیت‌های فراغتی که در محیط خانه انجام می‌شوند منجر به نتایج مورد نظر روجک برای دختران نخواهد شد.

کمترین فعالیت‌های فراغتی دختران حضور در انجمن‌های ادبی و هنری، انجام کارهای هنری، رفت و آمد با خویشاوندان دور، مطالعه غیردرسی، قرائت قرآن و ارتباط با همسایه‌ها بوده است. ارتباط با خویشاوندان و همسایگان برای همه گروه‌ها کمتر شده است و برای دختران نیز با وجود شرایط اجتماعی این یافته دور از انتظار نبوده است. در واقع همچنان که بورديو و روجک اشاره کرده‌اند در میدان فراغت، سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی است که نوع فراغت‌ها را مشخص می‌کند. در اینجا نیز کاهش فراغت‌های فرهنگی دختران ناشی از کم بودن سرمایه فرهنگی و اقتصادی در خانواده‌ها و همچنین کمبود امکانات فرهنگی و هنری شهرستان بوده است.

میانگین فراغت دختران نشان داد که فراغت انفعالی خانگی و ارتباطی مجازی دختران بیش از سایر فعالیت‌های فراغتی است و کمترین میانگین مربوط به فراغت فرهنگی بوده است. شاید بتوان گفت فعالیت‌های فراغتی دختران در راستای تلف کردن وقت اضافی است که بنا به شرایط اقتصادی و اجتماعی درگیر آن هستند. و بلن کارکرد فراغت را تشخیص طبقه بالا می‌داند، اما این نوع فراغت‌ها نه منجر به «تشخص» و بلن و نه «تمایزیابی» بورديو می‌شود.

همچنین، نتایج نشان داد فعالیت فراغتی دختران بر حسب سن و تحصیلات متفاوت بوده است. فعالیت فراغتی ارتباطی مجازی، انفعالی بیرونی و فرهنگی دختران ۱۸ تا ۲۶ ساله و تحصیل کرده بیشتر از دختران ۲۷ تا ۳۵ ساله و بدون تحصیلات عالی بوده است که در این زمینه می‌توان به نقش تحصیلات عالی در تفاوت فعالیت فراغتی دختران اشاره کرد.

نتایج بررسی سرمایه اجتماعی و فرهنگی دختران نشان داد که میانگین سرمایه اجتماعی دختران بیش از سرمایه فرهنگی آنان بوده است. سرمایه فرهنگی دختران ۱۸ تا ۲۶ ساله و دختران با تحصیلات عالی بیشتر از دختران ۲۷ تا ۳۵ ساله و دختران فاقد تحصیلات دانشگاهی بوده است؛ اما سرمایه اجتماعی دختران بر حسب سن و تحصیلات تفاوت معنی‌داری نداشته است. این نشان از گسترش سرمایه اجتماعی در همه سطوح تحصیلی و سنی است. سرمایه اجتماعی دختران بیشتر ناشی از ارتباط با خانواده، دوستان و خویشاوندان نزدیک بوده است و سرمایه فرهنگی دختران بیشتر ناشی از دیدن فیلم، تعداد کتاب در خانه و مطالعه رمان بوده است که هم سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی دختران نشان از محدوده روابط اجتماعی آنها دارد که بیشتر از محدوده خانواده و خویشاوندان نزدیک نبوده است.

نتایج رابطه نوع فراغت با نوع و میزان سرمایه نشان داد که فراغت‌های فرهنگی، انفعالی بیرونی و خانگی بیشتر با سرمایه اقتصادی و فرهنگی قرابت و هماهنگی دارند. فراغت‌های مذهبی، ارتباطی واقعی و مجازی بیشتر با سرمایه اجتماعی قرابت دارند و نیاز کمتری به سرمایه فرهنگی و اقتصادی داشته‌اند.

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت با توجه به میزان کم سرمایه فرهنگی و اقتصادی دختران در شهر گیلان غرب، این سرمایه اجتماعی است که میزان و نوع فراغت آنها را مشخص کرده است؛ سرمایه اجتماعی تنها منبع سرمایه‌ای در دسترس دختران است و به خوبی هم از آن برای گذران اوقات فراغت استفاده کرده‌اند. لازم به ذکر است چنین فراغت‌هایی مانند تماشای تلویزیون، خواب، روابط با خویشان و ... که سرمایه اجتماعی و همچنین ساختار فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه آنها را مشخص می‌کند در راستای بهبود و توانمندسازی فرهنگی دختران نیست. در حالی که یکی از اهداف مهم سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی توانمندسازی فرهنگی دختران با استفاده از فعالیت‌های فراغتی در سنین جوانی برای ساختن نسل‌های آینده است.

پیشنهاد می‌شود بر اساس نتایج پژوهش حاضر دسته‌بندی‌های ساخته شده با استفاده از زندگی روزمره دختران در پژوهش‌های اوقات فراغت مربوط به دختران مدنظر قرار گیرد. همچنین برای تحلیل فعالیت‌های فراغتی به بستر و زمینه شکل‌گیری فعالیت‌های فراغتی توجه نمایند و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فعالیت‌های فراغتی به شیوه گذران اوقات فراغت دختران و پیامدهای چنین فعالیت‌های فراغتی توجه داشته باشند.

منابع

- ابراهیمی، قربانعلی؛ مسلمی پطروودی، رقیه. (۱۳۹۰). اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی و زنان. زن در توسعه و سیاست. دوره ۹، شماره ۴: ۹۱-۷۳.
- ادریسی، افسانه. (۱۳۹۳). افتراق در سرمایه اقتصادی خانواده‌ها و ترجیحات فعالیت‌های فراغتی جوانان. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*. سال پانزدهم، شماره ۲۸: ۲۳۹-۲۱۳.
- بوردیو، پی.یر. (۱۳۸۰). *نظریه کنش؛ دلایل عملی و انتخاب عقلانی*. ترجمه مرتضی مردیپا، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- بوردیو، پی.یر. (۱۳۹۷). *تمایز؛ نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی*. ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث.
- بهرامی، گودرز؛ خادیمان، طلیمه. (۱۳۹۱). بررسی نحوه گذراندن اوقات فراغت دانش‌آموزان متوسطه شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر نقش خانواده. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۹(۳): ۱۱۹-۸۹.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی کار و مشاغل*. تهران: انتشارات سمت.
- حبیب‌پور گنتابی، کرم؛ نازک تبار، حسین؛ فرج تبار، رضا. (۱۳۹۱). مقایسه مصرف فراغت در بین زنان شاغل و خانه‌دار در شهر ساری. *مطالعات راهبردی زنان*. سال پانزدهم، شماره ۵۸: ۱۹۰-۱۶۳.
- خواججه‌نوری، بیژن؛ مقدس، علی اصغر. (۱۳۸۷). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت؛ مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان آباد. *پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی*، دوره ۸، شماره ۲: ۱۳۳-۱۵۶.

- دومازیه، ژوفر. (۱۳۵۲). زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسانه. ترجمه مهدی آدینه، مجله فرهنگ و زندگی، شماره ۱۲: ۱۳-۲۳.
- رجب‌زاده، احمد. (۱۳۸۱). رفتارهای فرهنگی ایرانیان: فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی در تهران. طرح پژوهشی.
- رستگار خالد، امیر؛ مصلحی جنابیان، نرگس؛ صلاحی، آمنه. (۱۳۹۵). تأثیر فن‌آوری‌های جدید بر اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی جوانان. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، سال هفدهم، شماره ۳۳: ۱۴۶-۱۲۶.
- رفعت‌جاه، مریم؛ رشوند، مرجان؛ شهیدی زندی، مریم. (۱۳۸۹). تبیین جامعه‌شناختی فعالیت‌های فراغتی دختران جوان با تأکید بر عوامل آسیب‌شناختی آن. *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان*، سال سیزدهم، شماره ۵۰: ۲۹-۸۰.
- روجک، کریس. (۱۳۹۵). *نظریه اوقات فراغت، اصول و تجربه‌ها*، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات تیسرا.
- ریاضی، سید ابوالحسن. (۱۳۹۲). تصویری از فرهنگ مصرفی جامعه ایران با استفاده از داده‌های یک پیمایش ملی پیرامون گذران اوقات فراغت. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*. دوره ششم، شماره ۴: ۱۵۳-۱۳۷.
- زارع، بیژن؛ مالکی عذاری، علیرضا. (۱۳۹۴). مطالعه رابطه نظام ارزشی و نحوه گذراندن اوقات فراغت جوانان در شهرستان دشت آزادگان. *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال یازدهم، شماره ۳۹: ۱۷۰-۱۴۳.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). *درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماع*. تهران: انتشارات کیهان.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۱). *بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان*. تهران: اهل قلم
- صادقی، رسول؛ بلالی، اسماعیلی؛ محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). نابرابری اجتماعی در حوزه فراغت. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال دهم شماره ۳۹: ۳۸۹-۳۵۷.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان منش، ایمان. (۱۳۹۷). تفاوت‌های جنسیتی در ادغام اجتماعی فن‌آوری‌های جدید با اوقات فراغت نوجوانان: ترجیح یا تحمیل؟. *فصلنامه زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۱۰، شماره ۱: ۱۳۲-۱۱۵.
- صراف‌زاده، پریسا؛ محمدصالحی، نرگس؛ خیراللهی، فاطمه؛ رحیمی، زهرا؛ محمد بیگی، ابوالفضل. (۱۳۹۵). بررسی چگونگی گذراندن اوقات فراغت و متغیرهای وابسته به آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم سال ۹۴. *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*. دوره دهم، شماره یازدهم: ۸۵-۹۴.
- عباس‌زاده، محمد؛ مبارک بخشایش، مرتضی؛ معروف پور، مینا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با نحوه گذران اوقات فراغت در بین دانش‌آموزان دختر و پسر شهر نقده. (۱۳۸۹-۱۳۹۰). *مطالعات علوم اجتماعی ایران*. سال دهم: ۱۲۶-۱۶۰.
- کریمی، جلیل. (۱۳۹۸). سبک زندگی در مناطق محروم کرمانشاه. طرح پژوهشی توانمندسازی مناطق محروم شهر کرمانشاه، کارفرما: *جهاد دانشگاهی استان کرمانشاه*.
- کفاشی، مجید؛ پیرجلیلی، زهرا. (۱۳۹۵). گذران اوقات فراغت زنان در فضای مجازی (شهر تهران در سال ۱۳۹۴). *فصلنامه زن و جامعه*، دوره ۷: ۱۲۲-۱۰۵.

- فانی، مریم؛ اصغرپور، احمدرضا. (۱۳۹۳). اوقات فراغت در شرایط ناکارآمدی فرهنگی؛ مطالعه کیفی دختران جوان در شهر بجنستان. دومین کنفرانس بین‌المللی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، تهران، ۱-۱۹.
- فکوهی، ناصر؛ انصاری مهابادی، فرشته. (۱۳۸۲). اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی، نمونه موردی دو دبیرستان دخترانه شهر تهران. فصلنامه انسان‌شناسی. دوره اول، شماره چهارم، ۶۱-۸۹.
- قلی‌پور، ماجده؛ مهدوی، محمد صادق؛ ساروخانی، محمد باقر. (۱۳۹۵). نقش جهانی شدن ارتباطات بر نحوه گذران اوقات فراغت زنان جوان (مورد مطالعه: زنان جوان استان مازندران). فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان. سال هفتم، شماره ۲۲: ۱۱۸-۱۰۱.
- مختارزاده، فریبا. (۱۳۹۶). بررسی عوامل و متغیرهای موثر بر میزان و نحوه گذراندن اوقات فراغت زنان قوچان، اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیت، حقوق و علوم اجتماعی، تهران، ۱-۹.
- وبلن، تورستین. (۱۳۸۳). نظریه طبقه مرفه، ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن. www.amar.org
- Bittman, M & and Wajcman, J.(2000). The Rush Hour: The Character of Leisure Time and Gender Equity. *Social Forces*, 79(1), 165-189
- Bodur, F. (2000). Evaluation of the leisure activities of students in Turkey. *Sport Discus*, 6, 175-180.
- Bradley, G. & Inglis, B. C. (2012). Adolescent leisure dimensions, psychosocial adjustment, and gender effects. *Journal of Adolescence*, 35(5):1167-76
- Thrane, Ch. (2002). Men, women and leisure time: Scandinavian evidence of gender inequality. *Leisure Sciences*, 22(2), 109-122.
- Tuyckom, V, Scheerder. J. (2010). A multilevel analysis of social stratification patterns of leisure-time physical activity among Europeans. *Science & Sports*, In Press, Corrected Proof, Available online 11 June 2010 C. Van Tuyckom, J. Scheerder.

The Study of Leisure Culture among Girls In Terms Of Economic, Social and Cultural Capitals (Unmarried Girls in Gilan Gharb City)

Vakil Ahmadi¹, Jalil Karimi² & Parastou Mohammadi³

Abstract

Leisure is an opportunity to restore physical, mental and psychological health and cultural and social empowerment. According to the problems of unemployment, marriage, and the socio-cultural structure that governs girls' daily lives in small towns, spending their leisure time is particularly important. The purpose of this study was to investigate leisure activities of unmarried girls in Gilan Gharb. The research method was quantitative in terms of survey implementation and a questionnaire with a sample of 315 unmarried girls aged 18-35 years was used to collect data. Girls' leisure activities were subdivided into six categories of actual communication, virtual communication, external passivity, home passivity, culture, and religion by exploratory factor analysis. Most of the girls' leisure activities were in the form of passive in-house leisure and virtual communication, the least of which was cultural leisure. Cultural, home-passive, and passive-leisure leisure activities were more closely related to economic and cultural capital, while religious leisure, real and virtual communication were more closely related to social capital. Overall, According to the low level of cultural and economic capital of girls in Gilan Gharb, social capital determines their type and amount of leisure activity, and the main (passive) leisure activities that result from social capital and cultural and social structure of society is not to promote cultural empowerment of girls.

Therefore, policy makers and planners of leisure activities should pay attention to the context of leisure activities, how girls spend their leisure time and the consequences of such leisure activities.

Key words: Leisure time, girls, social capital, economic capital, cultural capital.

1. Assistant Professor of Sociology, Sociology Department, Razi University, Kermanshah, Iran.

2. Assistant Professor of Sociology, Sociology Department, Razi University, Kermanshah, Iran.

3. Master of Sociology, Sociology Department, Razi University, Kermanshah, Iran.